

ظهور اسلام

سرزمین عربستان

همان طور که می‌دانید، اسلام از سرزمین عربستان طلوع کرد.

با استفاده از نقشه، به این پرسش‌ها پاسخ دهید :

۱- عربستان در کدام قسمت قاره‌ی آسیا قرار دارد؟

۲- دریاها و سرزمین‌های اطراف عربستان کدام‌اند؟

۳- نام سرزمین جنوبی عربستان چیست؟ به نظر شما چرا به رنگ نقشه‌ی ایران است؟

۴- حجاز در کدام قسمت عربستان واقع است؟

۵- شهرهای مهم عربستان در کدام قسمت آن قرار دارند؟



زندگی و عقاید دینی مردم عربستان پیش از اسلام

اعراب که ساکنان سرزمین عربستان هستند در گذشته به صورت قبیله‌ای زندگی می‌کردند. از مهم‌ترین قبایل عرب، قبیله‌ی قریش بود که در حجاز زندگی می‌کردند. مکه و یثرب و طائف از شهرهای مهم حجاز بود که در مسیر حرکت کاروان‌های تجاری از هند و یمن به شام قرار داشت. پیامبرانی چون حضرت هود (ع) و حضرت صالح (ع) به ترتیب در جنوب و شمال عربستان مبعوث شدند. حضرت ابراهیم (ع) نیز مدتی در عربستان و مکه به سر برده است. تعدادی از مردم عربستان پیرو حضرت ابراهیم (ع) بودند، اما بیشتر آن‌ها با گذشت زمان به بت پرستی روی آورده و خانه‌ی کعبه را که حضرت ابراهیم (ع) آن را محل پرستش خدا قرار داده بود به بت‌خانه تبدیل کرده بودند. در چنین شرایطی اسلام در عربستان ظهور کرد.

حضرت محمد (ص)، آخرین پیامبر الهی

حضرت محمد (ص) در شهر مکه به دنیا آمد. او دوران جوانی خود را در مکه گذراند. مردم مکه که درستکاری محمد (ص) را می‌دیدند، به او «امین» لقب داده بودند. محمد امین یاور ستم‌دیدگان بود و به افراد ضعیف و فقیر کمک می‌کرد. در بیست‌سالگی او و عده‌ای از جوانان مکه برای کمک به ستم‌دیدگان پیمانی بستند.

حضرت محمد (ص) در سن بیست و پنج‌سالگی، با سرمایه‌ی زنی پاک‌دامن و محترم به نام خدیجه، برای تجارت به شام رفت. شهرت او به امانت‌داری و درست‌کاری، باعث شده بود تا خدیجه، سرمایه‌ی خود را برای تجارت در اختیار وی قرار دهد. صفات پسندیده حضرت خدیجه، زمینه‌ی ازدواج او را با حضرت محمد (ص) فراهم کرد. تولد حضرت فاطمه‌زهرا (س)، بانوی بزرگوار اسلام از نتایج این ازدواج بود.

بعثت حضرت محمد (ص) به پیامبری

حضرت محمد (ص)، یک ماه از سال را برای تفکر و عبادت، به غار جرا می‌رفت. سرانجام در همان جا خداوند او را به پیامبری مبعوث کرد. در آن هنگام، پیامبر (ص) چهل سال داشت. او از جانب خداوند مأمور شد تا مردم جهان را به پرستش خدای یکتا، دست برداشتن از بت پرستی، ایمان به روز رستاخیز و قبول پیامبری خود دعوت کند. اولین کسانی که در همان آغاز ایمان آوردند، حضرت علی (ع) پسر عموی پیامبر و حضرت خدیجه (س)، همسر ایشان بودند.



غار حرا

شروع دعوت آشکار

رسول گرامی اسلام تا سه سال مردم را به طور پنهانی به دین اسلام دعوت می کرد. در این مدت، عده‌ی کمی از مردم مکه به او ایمان آوردند. پس از آن، خداوند آن حضرت را مأمور کرد تا دعوت خود را آشکار سازد و پیش از همه، اقوام و خویشانش را به پرستش خدای یگانه و ترک بت‌ها دعوت کند. پس، پیامبر اسلام اقوام و خویشان خود را در یک جا گرد آورد و با آنان سخن گفت. او در سخنان خود، آن‌ها را به دوری از شرک و بت‌پرستی و اطاعت از فرمان‌های خداوند دعوت کرد و فرمود: «هرکس نخست ایمان بیاورد، برادر و جانشین من خواهد بود.» به نوشته‌ی مورخان از آن جمع، تنها علی (ع) ایمان قلبی خود را آشکارا بیان کرد و پیامبر (ص) نیز او را به عنوان جانشین خویش معرفی نمود. پس از این واقعه پیامبر با یاری خدای بزرگ به تبلیغ اسلام پرداخت و به تدریج بر تعداد مسلمانان افزوده شد.

شروع آزار مسلمانان به وسیله‌ی مشرکان

مخالفان اسلام، یعنی اشراف قریش که برده‌دار و ستمگر بودند، از پیشرفت اسلام احساس خطر می کردند؛ زیرا می دانستند این دین الهی مخالف ظلم و ستم است و براساس تعالیم آن برده‌ای چون

بلال حبشی با سایر مردم تفاوتی ندارد. مشرکان برای جلوگیری از گسترش اسلام، کوشیدند با فریب کاری و دادن انواع وعده‌ها، رسول خدا را از ادامه‌ی دعوتش باز دارند اما پیامبر (ص) وعده‌های آنان را نپذیرفت و با ایمان استوار به راه خود ادامه داد. از آن پس، مشرکان به آزار و شکنجه‌ی مسلمانان پرداختند. با وجود آزار مشرکان، رسول خدا و مسلمانان با صبر و بردباری به تبلیغ اسلام ادامه دادند. پیامبر (ص) آیات قرآن را برای مردم می‌خواند و تعالیم اسلام و احکام الهی را به آنان عرضه می‌کرد. در نتیجه‌ی این تلاش‌های خستگی‌ناپذیر روز به روز بر تعداد مسلمانان افزوده می‌شد.

هجرت گروهی از مسلمانان به حبشه

هر چه تعداد مسلمانان بیشتر می‌شد، خشم و کینه‌ی مشرکان نسبت به اسلام و مسلمانان شدت بیشتری می‌یافت. در این زمان، مهم‌ترین دشمنان اسلام، ابو جهل، ابولهب و ابوسفیان بودند. به تدریج، شدت آزار مشرکان به حدی رسید که پیامبر اسلام، به تعدادی از مسلمانان دستور داد مکه را ترک کنند و به حبشه بروند. سرپرست مسلمانانی که به حبشه مهاجرت کردند، جعفر بن ابی طالب بود. برای آشنایی با مسیر این گروه از مهاجران به نقشه‌ی صفحه‌ی بعد نگاه کنید. مشرکان مکه شخصی به نام عمرو عاص را با هدایای بسیار نزد پادشاه حبشه فرستادند و از او خواستند که مسلمانان را به آن‌ها تحویل دهد. پادشاه حبشه - که از پیروان حضرت عیسی (ع) بود - پس از آن که درباره‌ی عقاید مسلمانان تحقیق کرد و دانست که خدای یکتا را می‌پرستند و به پیامبران الهی اعتقاد دارند، هدایای مشرکان را پس داد و به مسلمانان اجازه داد که در آزادی و امنیت در حبشه زندگی کنند.^۱

محاصره‌ی اقتصادی مسلمانان

مشرکان از این که نتوانسته بودند مسلمانان را از حبشه بازگردانند، بسیار خشمگین بودند. به همین دلیل، تصمیم گرفتند که میان خود عهدنامه‌ای بنویسند و پیامبر و پیروانش را تحریم اقتصادی کنند؛ یعنی، از آن‌ها چیزی نخرند، به آنان چیزی نروشند و رابطه‌ی خود را با آن‌ها قطع کنند. مسلمانان پس از این که از عهدنامه آگاه شدند، به همراه ابوطالب و پیامبر به یکی از دره‌های اطراف مکه رفتند و مدت سه سال در آن‌جا زندگی کردند. زندگی در آن‌جا بسیار دشوار بود. در این مدت ابوطالب و خدیجه نیازهای محاصره شدگان را تأمین می‌کردند.

۱- پادشاه حبشه نجاشی نام داشت و بعدها مسلمان شد.

مدتی بعد حضرت محمد(ص) به ابوطالب خبر داد که به خواست خداوند موریانه عهدنامه را خورده است. وقتی این خبر به مشرکان رسید، به سراغ عهدنامه رفتند و درستی گفتار پیامبر به آنان ثابت شد؛ در نتیجه، از محاصره‌ی مسلمانان دست برداشتند (سال دهم بعثت). بدین ترتیب، مسلمانان با پایداری در راه حفظ دین خود به پیروزی دست یافتند.

مهاجرت مسلمانان به شهر یثرب

هنوز مدت زیادی از پایان محاصره‌ی اقتصادی پیامبر و بستگانش نگذشته بود که ابوطالب و حضرت خدیجه(س) وفات یافتند. این دو تن، از یاوران بزرگ پیامبر(ص) بودند. پس از درگذشت آنان مشرکان بر آزارهای خود نسبت به پیامبر(ص) و مسلمانان افزودند.



بخشی از وقایع تاریخ اسلام در مکه

در سال یازدهم بعثت، چند تن از مردم یثرب که به مکه مسافرت کرده بودند، با پیامبر(ص) آشنا شدند و اسلام آوردند. وقتی خبر بعثت رسول خدا به یثرب رسید و مردم این شهر با آیین نجات بخش اسلام آشنا شدند، در صدد برآمدند دین اسلام را بپذیرند و از پیامبر (ص) اطاعت کنند.

در سال‌های بعد نیز تعدادی از مردم یثرب نزد پیامبر(ص) رفتند و پس از قبول اسلام، با آن حضرت پیمان بستند که رسول خدا را یاری کنند؛ به همین جهت به آنان انصار (یاری کنندگان) گفته شد. در این زمان، پیامبر اسلام به مسلمانان اجازه داد که به یثرب هجرت کنند. یاران پیامبر(ص) به دنبال این فرمان، دسته دسته به یثرب مهاجرت کردند. این دسته از مسلمانان را که برای حفظ دین و ایمان، اموال خویش را رها کردند و از شهر خود - یعنی مکه - به یثرب مهاجرت نمودند، مهاجرین (هجرت کنندگان) می‌گویند. پس از آن رسول خدا نیز آماده‌ی هجرت شد. این در حالی بود که مشرکان تصمیم گرفته بودند، شبانه به خانه‌ی آن حضرت هجوم برند و ایشان را در بستر به قتل رسانند. برای این که این تصمیم مشرکان به نتیجه نرسد، حضرت علی(ع) شب در بستر پیامبر خوابید و پیامبر(ص) مخفیانه از مکه خارج شد.

اگر فرد دیگری به جای حضرت علی(ع) انتخاب می‌شد، ممکن بود از ترس مرگ، از بستر خارج شود و فرار کند. در آن صورت تصمیم پیامبر(ص) آشکار می‌شد و جان آن حضرت در خطر قرار می‌گرفت. بنابراین برای این کار، به فردی مطمئن و شجاع نیاز بود.

پرسش و جست‌وجو



- ۱- در دوره‌ی پیش از اسلام چه دین‌هایی در عربستان رایج بود؟
 - ۲- آیا می‌دانید محمد(ص) در چه سالی متولد شد؟ در این باره تحقیق کنید.
 - ۳- چرا حضرت محمد(ص) به غار حرا می‌رفت؟
 - ۴- پیامبر(ص) مردم را به چه چیزهایی دعوت می‌کرد؟
 - ۵- چرا اشراف قریش از پیشرفت اسلام احساس خطر می‌کردند؟
 - ۶- جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید:
- الف - مشرکان مکه شخصی به نام را با هدایای زیاد نزد پادشاه حبشه فرستادند.
- ب - پیامبر(ص) مردم را به مدت به طور پنهانی به اسلام دعوت کرد.
- ج - دو تن از نزدیکان پیامبر به نام نیازهای محاصره شدگان را تأمین می‌کردند.
- ۷- دو مورد از حوادثی را که حضرت علی(ع) در آن‌ها نقش مهمی داشت، توضیح دهید.

پیامبر (ص) در مدینه

مدینه، مرکز حکومت اسلامی

همان‌طور که خواندید، رسول خدا سرانجام پس از روزهای متوالی راه‌پیمایی سخت و طاقت‌فرسا، به یثرب رسید و مورد استقبال مسلمانان این شهر قرار گرفت. آنان پیش از ورود رسول خدا همه‌ی بت‌ها و آثار شرک را نابود کرده بودند. از آن پس، شهر یثرب، مدینه النبی (شهر پیامبر) نامیده شد. ورود پیامبر اسلام به مدینه را باید آغاز حکومت اسلامی دانست. تأسیس حکومت جزو اهداف اساسی رسالت پیامبر (ص) بود، زیرا مکتب اسلام برای تمام ابعاد زندگی فردی و جمعی انسان‌ها احکام و قوانینی داشت که بدون تشکیل حکومت اجرای آن‌ها ممکن نبود. سال هجرت پیامبر از مکه به مدینه و تأسیس این حکومت به وسیله‌ی ایشان، مبدأ تاریخ اسلام قرار گرفت. پیامبر اسلام (ص) پس از ورود به مدینه، ابتدا مسجدی بنا نهاد. این مسجد علاوه بر آن که محلّ عبادت مسلمانان بود، مرکز حکومت و تصمیم‌گیری و اجتماع مسلمانان مدینه نیز محسوب می‌شد. از دیگر اقدامات پیامبر (ص) در آغاز ورود به مدینه، ایجاد پیوند برادری دینی میان مسلمانان به جای تعصبات قبیله‌ای بود. به همین جهت مسلمانان را دوه‌دو با هم برادر اعلام کرد و خود با علی (ع) پیمان برادری بست و او را برادر خود در دنیا و آخرت خواند.

غزوه‌ی بدر

در سال دوم پس از هجرت، میان مسلمانان و مشرکان جنگ درگرفت. جریان از این قرار بود که یک کاروان بازرگانی مشرکان که از شام به مکه می‌رفت، از نزدیکی مدینه عبور می‌کرد. مشرکان از بیم آن که کالاهای این کاروان به تصرف مسلمانان درآید، سپاهی را برای حفاظت از آن به طرف مدینه فرستادند. کاروان مشرکان از اطراف مدینه دور شد اما میان این سپاه به فرماندهی ابوسفیان و سپاه اسلام به فرماندهی پیامبر (ص) جنگ درگرفت. این جنگ که در نزدیکی چاه‌هایی به نام بدر روی داد، به جنگ بدر شهرت یافت و چون رسول خدا شخصاً در این جنگ حضور داشت، بدان غزوه‌ی بدر می‌گویند.

مشرکان که تعداد نفرات و اسلحه‌ی زیاد مغرورشان ساخته بود، تصور می‌کردند که مسلمانان را شکست خواهند داد اما مسلمانان که با ایمان به خداوند به میدان آمده بودند، چون کوهی استوار در مقابل آنان ایستادند و توانستند آنان را شکست دهند. دلاوری حمزه عموی پیامبر و حضرت علی (ع) تأثیر زیادی در پیروزی مسلمانان در این غزوه داشت.

پیروزی مسلمانان در غزوه‌ی بدر، آوازه‌ی اسلام را در سراسر عربستان پراکنده ساخت و مشرکان را هراسان کرد.

غزوه‌ی احد

در سال سوم هجرت، مشرکان مکه برای جبران شکست بدر با سپاهی سه هزار نفری و تجهیزات فراوان به طرف مدینه حرکت کردند. هنگامی که خبر لشکرکشی آنان به پیامبر رسید، آن حضرت مصلحت دید که مسلمانان در داخل شهر مدینه به دفاع پردازند اما چون عده‌ی زیادی از جوانان، خواهان جنگ در بیرون شهر بودند، پیامبر (ص) سپاه اسلام را به آن جا هدایت کرد. در این نبرد ابتدا مسلمانان پیروز شدند، اما چون گروهی از رزمندگان مسلمان از دستور رسول خدا (فرمانده‌ی جنگ) غفلت کردند، مشرکان موفق شدند از شکست پیروزی بسازند.

غزوه‌ی خندق

در سال پنجم هجرت، مشرکان مکه از سراسر عربستان متحدانی را فراهم آوردند و تصمیم گرفتند با سپاهی بسیار بزرگ به مدینه حمله کنند. آنان یهودیان مدینه را نیز که از پیشرفت اسلام ناراحت بودند، با خود هم پیمان کردند. هنگامی که پیامبر (ص) از لشکرکشی دشمنان اسلام با خبر شد، با اصحاب خود به مشورت پرداخت. سلمان فارسی پیشنهاد کرد که برای مقابله با دشمنان در شمال مدینه خندقی حفر کنند؛ زیرا به دلیل وجود کوهستان و نخلستان، دشمنان از راه‌های دیگر نمی‌توانستند به شهر حمله کنند. سلمان ایرانی بود. او در مدینه با اسلام آشنا شده و به جمع یاران رسول خدا پیوسته بود.

هنگامی که مشرکان به مدینه رسیدند، در مقابل خویش خندقی را یافتند که تا آن زمان ندیده بودند. آن‌ها چاره‌ای جز توقف در آن سوی خندق و محاصره‌ی مدینه نداشتند. چند روز بعد، عده‌ای از جنگ‌جویان نامی قریش تصمیم گرفتند از خندق بگذرند. حضرت علی (ع) به مقابله با آنان رفت و پس



بخشی از وقایع تاریخ اسلام در زمان پیامبر (ص)

از کشتن عمرو بن عبْدُوْد معروف‌ترین پهلوان آن‌ها و یکی از همراهانش، بقیه‌ی آن‌ها را به آن سوی خندق فراری داد. هنگامی که علی (ع) به جنگ عمرو رفت پیامبر (ص) فرمود: «اینک تمام اسلام به مبارزه با تمام کفر بیرون شد». در این زمان، طوفانی شروع شد که چادرهای مشرکان را از جا برکند و موجب به هم خوردن نظم سپاه آنان شد.

با پیداشدن اختلاف و بالاگرفتن آن در میان مشرکان، آنان تصمیم گرفتند به مکه بازگردند؛ بنابراین، بدون کوچک‌ترین موفقیتی از اطراف مدینه پراکنده شدند و شکست را پذیرفتند.

صلح حدیبیّه و گسترش اسلام

پس از غزوه‌ی خندق، قدرت مسلمانان بر بسیاری از عرب‌ها آشکار شد؛ به طوری که مشرکان مکه، حاضر به صلح با مسلمانان شدند. بدین ترتیب، پیمان صلح حدیبیّه به وجود آمد. براساس این پیمان، مشرکان متعهد شدند که تا ده سال با مسلمانان وارد جنگ نشوند؛ به آنان اجازه‌ی زیارت خانه‌ی خدا را بدهند و امنیت و آرامش لازم را برای آنان فراهم سازند.

با امضای پیمان صلح، پیامبر اسلام(ص) توانست آزادانه به تبلیغ اسلام بپردازد و نه تنها مردم سرزمین عربستان بلکه ساکنان کشورهای دیگر را نیز به اسلام این دین الهی دعوت کند. به همین منظور، پیامبر اسلام(ص) نامه‌هایی به شاهان ایران و روم و مصر نوشت و آنان را به اسلام دعوت نمود.

فتح خیبر

پس از امضای پیمان صلح، دین اسلام روز به روز گسترش بیش‌تری یافت و دشمنان آن نیز خشمگین‌تر شدند. از جمله‌ی این دشمنان، یهودیان منطقه‌ی خیبر بودند که با کارشکنی‌های خود، برای مسلمانان مشکل ایجاد می‌کردند. به همین دلیل، پیامبر(ص) در سال هفتم هجرت، به مقابله با آنان شتافت و قلعه‌های آن‌ها را محاصره کرد. این جنگ‌ها که دلاوری امام علی(ع) و فداکاری مسلمانان در آن‌ها کاملاً آشکار بود، با پیروزی مسلمانان پایان یافت. در همین زمان، جعفر بن ابی‌طالب و مسلمانانی که سال‌ها پیش به حبشه مهاجرت کرده بودند، به مدینه بازگشتند.

فتح مکه

تقریباً دو سال پس از صلح حدیبیه، مشرکان پیمان‌شکنی کردند.^۱ در نتیجه، پیامبر اسلام با سپاه بزرگی به سوی مکه حرکت کرد. مشرکان که در خود توان مقاومت نمی‌دیدند، درصدد تسلیم برآمدند؛ پیامبر اسلام نیز به اهالی مکه امان داد. بدین ترتیب، هشت سال پس از هجرت، مکه به وسیله‌ی مسلمانان فتح شد و مهاجران توانستند به زادگاه خود بازگردند. با ورود مسلمانان به مکه، پیامبر گرامی اسلام، بیشتر کسانی را که در مقابل اسلام سر تسلیم فرود آورده بودند، عفو کرد. در خانه‌ی کعبه به فرمان پیامبر(ص)، امام علی(ع) بر دوش آن حضرت قرار گرفت و تمامی بت‌ها را واژگون ساخت. به این ترتیب، کعبه بار دیگر محل عبادت خدای یکتا شد.

در این زمان، ابوسفیان و خانواده‌اش که از دشمنان سرسخت اسلام بودند، اعلام کردند که مسلمان شده‌اند. پیامبر اسلام هم آنان را بخشید. فتح شهر مکه که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شهر حجاز و مرکز دینی و تجاری اعراب بود، آوازه‌ی شکوه و عظمت اسلام را به گوش همه‌ی مردم عربستان رساند. از آن پس، گروه گروه از مردم این کشور به دین اسلام گرویدند و طولی نکشید که بیشتر مردم عربستان مسلمان شدند.

۱- مشرکان با کشتن تعدادی از متحدان مسلمانان پیمان‌شکنی کردند. طبق پیمان صلح، جنگ هر یک از طرفین با متحدان یک‌دیگر نیز ممنوع اعلام شده بود.



با فداکاری نبی اکرم و مسلمانان، کعبه بار دیگر به خانه‌ی خدا و محل زیارت مسلمان‌ها تبدیل شد.

آخرین سال‌های زندگی پیامبر اسلام

آخرین سال‌های زندگی رسول خدا به تقویت پایه‌های اسلام در عربستان و تبلیغ اسلام سپری شد. از مهم‌ترین اقدامات پیامبر گرامی اسلام در این سال‌ها، انتصاب حضرت علی(ع) به جانشینی خود بود. آن حضرت هنگامی که از آخرین سفر حج خود بازمی‌گشت، دستور داد تا همه‌ی زائران خانه‌ی خدا در محلی به نام عَدِیرْ حُم جمع شوند. در آن جا پیامبر(ص) حضرت علی(ع) را به‌عنوان جانشین خود و رهبر مسلمانان معرفی کرد و خطاب به آنان فرمود: «هر کس که من مولای او هستم، علی مولای اوست.» سپس تمام زائران با حضرت علی(ع) بیعت کردند. پس از این واقعه، این آیه‌ی قرآن کریم نازل شد: «امروز دینتان را برای شما تکمیل کردم و نعمتم را بر شما تمام ساختم و پسندیدم که دین شما اسلام باشد.»^۱

۱ - سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۳.



مسجد و آرامگاه رسول خدا در مدینه

پیامبر در آخرین روزهای زندگی خود، سخت می‌کوشید تا لشکری را به فرماندهی اُسامه به سوی شام (مرزهای روم) روانه کند. اُسامه حدود نوزده سال داشت؛ به همین دلیل، عده‌ای به رسول خدا اعتراض کردند که چرا جوانی کم‌سال را به فرماندهی انصار و مهاجرین برگزیده است؛ پیامبر(ص) فرمود او شایسته‌ی فرماندهی است. در همین ایام، پیامبر(ص) بیمار شدند و عده‌ای به بهانه‌ی بیماری ایشان، از پیوستن به سپاه اُسامه خودداری کردند. پیامبر(ص) از این نافرمانی ناراحت شدند و کسانی را که تخلف کرده بودند، سرزنش فرمودند. ایشان در آخرین روز زندگی خود، هفت دینار اندوخته‌ی خویش را میان فقرا تقسیم کردند و در حالی که ذکر خدا بر لب داشتند؛ در روز ۲۸ صفر سال یازدهم هجرت رحلت فرمودند.

به این ترتیب، مردی بی‌نظیر از جهان رخت بر بست و دو یادگار گران‌بها یعنی قرآن و خاندان بزرگوارش را به جانهاد. او مردی بود که به فرمان خدا، برای تبلیغ رسالت خویش ۲۳ سال سخت‌ترین رنج‌ها و شکنجه‌ها را تحمل کرد. با مطالعه‌ی مطلب زیر، هفت مورد از صفات پیامبر(ص) را در کلاس مورد بحث قرار دهید.

پیامبر (ص) از نگاه حضرت علی (ع)

حضرت علی (ع) می گوید: هرگاه کار جنگ بر ما سخت می شد، به رسول خدا پناه می بردیم. او عابدترین مردم روزگار خویش بود. اغلب روزها را روزه می گرفت و شبها به نماز می ایستاد. زندگی اش در کمال سادگی می گذشت، زیرا اندازهش حصیری از نی و برگ درخت خرما و غذایش اغلب نان جو و چند عدد خرما و گاهی نان و آب بود. به دست خود شیر می دوشید و گندم آسیاب می کرد و با وجود سادگی، نظافت و پاکیزگی را به دقت رعایت می کرد. ایشان بر مسواک کردن دندانها و شستن بدن تأکید می فرمود. در شرم و حیا بی مانند بود و آرام و شمرده سخن می گفت و هیچ گاه زبانش را به دشنام نمی آلود. عدل و رحمت را به هم آمیخته بود و در عین بخشش بزرگوارانه، در اجرای عدالت، درباره ی هیچ کس کوتاهی و سستی نمی کرد. مکرر درباره ی زنان سفارش می فرمود و خود در کارهای منزل به آنان کمک می کرد. او پیامبر خدا، پارساترین بندگان، شجاعترین فرماندهان، عادلترین حاکمان و دقیقترین داوران و قضاوتگران، پدري با عطف و همسری مهربان و برای همه ی مؤمنان، برادری دل سوز و غم خوار بود. زندگی او باید سرمشق زندگانی همه ی ما باشد.

پرسش و جست و جو



- ۱- نخستین اقدام پیامبر (ص) پس از هجرت به مدینه چه بود؟
- ۲- غزوه چیست؟
- ۳- فتح مکه توسط مسلمانان، چه نتایجی به دنبال داشت؟
- ۴- حوادث مهم سالهای دوم تا هشتم هجری را به ترتیب نام ببرید.
- ۵- مواد صلح حدیبیه چه بود؟
- ۶- جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید:
الف - غزوه ی بدر در نزدیکی روی داد.
ب - پیامبر (ص) در غدیر خم، را به جانشینی خود برگزید.
ج - پیشنهاد حفر خندق در شمال مدینه توسط مطرح شد.